



متاآنالیز تأثیر توسعه مالی بر رشد اقتصادی

علی سایه میری^{۱*}

مهدی امیدی^۲

الهه پرویز فر^۳

چکیده

تأثیر توسعه مالی بر رشد اقتصادی از دیدگاه نظری و تجربی یکی از موضوع‌های مهم و جدال‌برانگیز در اقتصاد مالی و رشد اقتصادی است. این تحقیق به دنبال پاسخ به این پرسش اصلی است که آیا توسعه مالی بر رشد اقتصادی تأثیر دارد و متغیرهای تأثیرگذار بر آن کدام‌اند؟ به این دلیل از بین ۱۰۶۲ مقاله فارسی و لاتین از پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی و در بین مقاله‌های مجلات، کنفرانس‌ها و پایان‌نامه‌ها با استفاده از کلیدواژه توسعه مالی و رشد اقتصادی و با توجه به اینکه بایستی در همه تحقیقات، متغیر مستقل توسعه مالی و متغیر وابسته رشد اقتصادی وجود داشته باشد و با توجه به مراحل شش‌گانه روش متاآنالیز، سیزده تحقیق که فراهم‌کننده ۳۴ مدل رگرسیونی بودند، انتخاب شدند. سپس با روش دوال و توئیدی و نمودار فانیل سوگیری تحقیق بررسی شد، آنگاه با نرم‌افزار SPSS و CAM2 رابطه توسعه مالی و رشد اقتصادی آزمون شد. نتایج نشان دادند که اندازه اثر توسعه مالی بر رشد اقتصادی ۳۰ درصد است. همچنین متغیرهای درجه باز بودن فضای تجاری، سرمایه‌گذاری و مخارج دولت بعد از توسعه مالی بیشترین تأثیر را بر رشد اقتصادی داشته‌اند. بنابراین یکی از روش‌های توسعه اقتصادی توجه به متغیرهای بخش مالی و توسعه آنها و شرایطی است که توسعه مالی را فراهم می‌کند.

واژه‌های کلیدی: اندازه اثر، توسعه مالی، رشد اقتصادی، متاآنالیز.

طبقه‌بندی JEL: E44.

۱. استادیار، گروه اقتصاد، دانشکده علوم انسانی و پایه، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران a.sayehmiri@ilam.ac.ir

۲. استادیار، گروه اقتصاد، دانشکده علوم انسانی و پایه، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران omidi_280@yahoo.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه اقتصاد، دانشکده علوم انسانی و پایه، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران alahe.parvizfar@gmail.com

مقدمه

دستیابی به رشد اقتصادی از اهداف مهم کشورهاست و اکثر سیاست‌گذاران تلاش می‌کنند شرایط مناسبی را برای رسیدن به رشد اقتصادی فراهم آورند. بدین منظور شناخت عوامل تأثیرگذار بر رشد اقتصادی لازم و ضروری است. به همین دلیل یکی از موضوع‌های مورد بحث در میان اقتصاددانان بررسی اثر توسعه مالی بر رشد اقتصادی به عنوان عاملی مهم و تأثیرگذار بر رشد اقتصادی است.

با گسترش بازارهای مالی، امکان و زمینه‌های مختلف سرمایه‌گذاری شکل می‌گیرند و بخش خصوصی قادر است انواع راهکارهای متناسب با نیازهای جامعه برای پس‌انداز در شرایط با ریسک کمتر را انتخاب کند. همچنین از طریق تجهیز منابع حاصل از وجوه پس‌انداز و هدایت آنها به فعالیت‌های اقتصادی سودآور و دارای ارزش افزوده بالا، رشد اقتصادی را بالا می‌برد.

بین اقتصاددانان در رابطه با تأثیرگذاری بازارهای مالی بر رشد اقتصادی، مجادله‌های زیادی وجود داشته است، برای مثال تحقیقات اقتصاددانانی نظیر گلداسمیت^۱ (۱۹۶۹)، مک‌کینون^۲ (۱۹۷۳) و شاو^۳ (۱۹۷۳) نشان می‌دهند که میان توسعه مالی و رشد اقتصادی هم‌بستگی مثبت وجود دارد. آنها بر این باورند که بازارهای مالی دارای نقش کلیدی بر رشد اقتصادی هستند. به اعتقاد آنها تفاوت در کیفیت و کمیت خدمات ارائه‌شده توسط مؤسسه‌های مالی می‌تواند بخش مهمی از تفاوت نرخ رشد در بین کشورها را توضیح دهد. در مقابل نگرش دیگری وجود دارد که به نظام‌های مالی و واسطه‌های آن به عنوان تنها یک خادم صنعت نظر می‌کنند. پیروان این مکتب از نظر رایینسون^۴ (۱۹۵۲) الهام گرفته‌اند و معتقدند مقوله‌های مالی در مقایسه با سایر عوامل که بر تفاوت رشد اقتصادی بین کشورها اثر می‌گذارند، حالت انفعالی دارند. به بیان دیگر واسطه‌های مالی فقط کانالی برای هدایت پس‌انداز خانوارها به سمت فعالیت‌های سرمایه‌گذاری هستند و عوامل اصلی را باید در همان موجودی سرمایه و نرخ سرمایه‌گذاری جست‌وجو کرد و سیاست‌های بخش عمومی باید به‌طور عمده معطوف به انباشت سرمایه فیزیکی باشند. اما در دهه ۸۰ با تلاش پل رومر^۵ (۱۹۸۶) و رابرت لوکاس^۶ (۱۹۸۸) ادبیات جدید رشد اقتصادی مطرح شد که در آن سازمان‌های مالی بازیگر فعال و شاید مسلط در زمینه فعالیت‌های صنعتی هستند و در واقع در چارچوب مدل‌های رشد مطرح‌شده در

1. Goldsmith

2. Mckinnon

3. Shaw

4. Robinson

5. Romer

6. Lucas

این دوران (مدل‌های درون‌زا) عواملی که بر هزینه‌ها و منافع سرمایه‌گذاری خصوصی و بهره‌وری سرمایه‌گذاری مؤثر هستند، می‌توانند به‌طور مداوم رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهند. با توجه به اهمیت تأثیر توسعه مالی بر رشد اقتصادی و با توجه به تعارض و اختلاف نظرهای موجود از دیدگاه نظری و تجربی، انجام یک تحقیق فراتحلیل به‌عنوان فصل‌الخطاب تحقیقات گذشته ضروری است تا در رابطه با تأثیر توسعه مالی بر رشد اقتصادی نتیجه‌ای قاطع به دست آورد. از این رو تحقیق حاضر سعی دارد اثر توسعه مالی بر رشد اقتصادی را به روش مرور سیستماتیک و متاآنالیز بررسی کند. پرسش اساسی این تحقیق این است که آیا توسعه مالی بر رشد اقتصادی مؤثر است؟ در کنار این پرسش اصلی به پرسش‌های دیگری نظیر آیا در کنار توسعه مالی متغیرهای دیگری بر رشد اقتصادی تأثیر دارند؟ میزان تأثیرگذاری بر حسب اندازه اثر مهم‌ترین متغیرهای کمکی بر رشد اقتصادی چگونه و چقدر است؟ آیا تفاوت در مدل‌ها باعث تفاوت در اندازه اثر می‌شود؟ برای پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها در بخش بعدی مقاله به بیان ادبیات موضوع، مبانی نظری تحقیق، معرفی داده‌ها و تبیین مدل، برآورد مدل، تفسیر نتایج و در نهایت نتیجه‌گیری پرداخته خواهد شد.

مرور پیشینه

تحقیقات خارجی

در تحقیقات خارجی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. اودین، سجو و شهباز^۱ (۲۰۱۳)، به بررسی رابطه بین توسعه مالی و رشد اقتصادی در کشور کنیا طی دوره ۲۰۱۱-۱۹۷۱ پرداختند. آنها با بیان اینکه بخش مالی نقش اصلی و حیاتی در تجهیز پس‌اندازها برای سرمایه‌گذاری دارد با استفاده از یک تابع تولید کاب - داگلاس و افزودن متغیرهای توسعه مالی و بهره‌بردن از مدل خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی^۲ به بررسی این موضوع پرداختند. نتیجه تحقیق آنها نشان می‌دهد که در بلندمدت توسعه مالی دارای اثر مثبت بر رشد اقتصادی است.

بیتنکورت^۳ (۲۰۱۲)، در تحقیقی به بررسی توسعه مالی و دسترسی سریع و گسترده به بازارهای مالی با رشد اقتصادی در چهار کشور آرژانتین، برزیل، بولیوی و پرو طی دوره ۲۰۰۷-۱۹۸۰ پرداخته است. نتایج کار وی با استفاده از تجزیه و تحلیل و داده‌های پانل تأییدکننده پیش‌بینی شومپیتر مبنی بر اینکه توسعه مالی با تجهیز و تخصیص بهینه منابع برای سرمایه‌گذاری کارآفرینان در فعالیتهای

1. Uddin, Sjo & Shahbaz

2. Autoregressive Distributed Lag

3. Bittencourt

تولیدی و موجب رشد اقتصادی است. همچنین بیان می‌کند که تورم پایین علاوه بر آنکه به معنای ثبات اقتصاد کلان بوده نشان‌دهنده رقابتی و فعال بودن بخش مالی نیز است که خود، موجبات رشد اقتصادی پایدار و رفاه بیشتر را فراهم می‌کند.

کار، نازلیوگلو و آگلیر^۱ (۲۰۱۱)، در مقاله‌ای به بررسی برای علیت بین توسعه مالی و رشد اقتصادی در بین پانزده کشور عضو منا^۲ طی دوره ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۷ پرداختند. آنها با استفاده از شش شاخص توسعه مالی، با روش گشتاورهای تعمیم‌یافته و آزمون علیت پانلی^۳ به این نتیجه رسیدند که پیرامون علیت بین توسعه مالی و رشد اقتصادی برای هر سطح از توسعه‌یافتگی مالی در بین این کشورها و دوره مورد بررسی هیچ اجماع قطعی و کاملی وجود ندارد.

آنگ^۴ (۲۰۰۸)، در تحقیقی با عنوان سازوکار ارتباط توسعه مالی و رشد اقتصادی در مالزی به بررسی تأثیر توسعه مالی بر رشد اقتصادی از کانال‌های گوناگون با استفاده از روش خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی پرداخت. وی برای بررسی این سازوکارها در تحقیق خود شش معادله را برآورد کرد. نتایج حاصل از تخمین این معادله‌ها نشان می‌دهند که توسعه مالی از طریق افزایش پس‌انداز و سرمایه‌گذاری خصوصی موجب رشد اقتصادی بالا در کشور مالزی شده است. همچنین نتایج حاصل از تحقیق وی، فرضیه درون‌زایی توسعه مالی و رشد اقتصادی مبنی بر اینکه توسعه مالی از طریق افزایش کارایی سرمایه‌گذاری، سبب رشد اقتصادی شده است را تأیید می‌کند.

ریتاب^۵ (۲۰۱۱)، در تحقیقی با عنوان توسعه بخش مالی و رشد پایدار اقتصادی در بازارهای هم‌گرایی منطقه‌ای به بررسی توسعه بازارهای مالی و رشد اقتصادی برای هفت کشور خاورمیانه و شمال آفریقا طی دوره زمانی ۲۰۰۲-۱۹۶۵ پرداخت. وی به این نتیجه رسید که در شش کشور، توسعه بخش بانکی سبب افزایش رشد اقتصادی می‌شود. همچنین در سه کشور از این شش کشور، رشد اقتصادی توسعه بخش بانکی را نیز موجب می‌شود. وی با استفاده از تحلیل هم‌جمعی^۶ نشان داد که بین توسعه بخش مالی و رشد اقتصادی در هفت کشور رابطه تعادلی بلندمدتی وجود دارد، اما با توجه به نتایج حاصل از برآورد مدل تصحیح خطای برداری، در کوتاه‌مدت توسعه بخش بانکی تأثیر شایان توجهی بر رشد اقتصادی در این کشورها ندارد.

1. Kar, Nazlioglu & Agir

2. Middle East and North Africa

3. Causality Panel Tests

4. Ang

5. Ritab

6. Cointegration

ناصر و غازونی^۱ (۲۰۰۷)، در تحقیقی با عنوان بازار سهام، بانک‌ها و رشد اقتصادی: شواهد تجربی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، با استفاده از یک مدل پانل نامتوازن و روش گشتاورهای تعمیم‌یافته به بررسی رابطه بین توسعه بازار مالی و رشد اقتصادی در یازده کشور خاورمیانه و شمال آفریقا پرداختند. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهند که بین توسعه بخش بانکی، بازار سهام و رشد اقتصادی در این کشورها ارتباط معناداری وجود ندارد.

هاورانک و همکاران^۲ (۲۰۱۶)، در تحقیقی با استفاده از ۱۳۳۴ برآورد از ۶۷ تحقیق که اثر توسعه مالی بر رشد اقتصادی را به روش فراتحلیل بررسی می‌کنند، به نتیجه تأثیر مثبت و معنادار آماری بین توسعه مالی و رشد اقتصادی می‌رسند. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که بازارهای سهام، رشد اقتصادی را سریع‌تر از سایر واسطه‌های مالی حمایت می‌کنند.

کاپوریل، سولی من و هوولز^۳ (۲۰۰۸)، به بررسی رابطه بین توسعه بازار مالی و رشد اقتصادی در چهار کشور شیلی، کره، مالزی و فیلیپین پرداختند. این تحقیق به دنبال مشخص کردن کانال‌های اثرگذاری توسعه بازار سهام بر رشد اقتصادی در بلندمدت است. بر این اساس، این فرضیه که در مدل‌های رشد درون‌زا توسعه مالی با تأثیر بر سطح سرمایه‌گذاری و بالا بردن بهره‌وری سرمایه‌گذاری سبب ایجاد رشد اقتصادی بالاتر می‌شود را آزمودند و برای بررسی رابطه علیت از مدل خودرگرسیون برداری بهره برده‌اند. نتایج کار آنها حکایت از آن دارد که گسترش بازار سهام با بالا بردن کارایی و بهره‌وری سرمایه‌گذاری سبب افزایش رشد اقتصادی در این چهار کشور شده است.

تحقیقات داخلی

تقوی، امیری و محمدیان (۱۳۹۰)، به بررسی اثر بازارهای مالی و گسترش آن بر رشد اقتصادی پرداختند. آنها از دو متغیر سهم اعتبارات اعطاشده توسط سیستم بانکی به بخش خصوصی از تولید ناخالص داخلی و شاخص دیون نقدشده به عنوان شاخص نشان‌دهنده توسعه بازار مالی و روش گشتاورهای تعمیم‌یافته و داده‌های پانل برای دوازده کشور منطقه منای طی دوره ۲۰۰۶-۱۹۶۰ استفاده کرده‌اند. نتایج کار آنها حاکی از تأثیر منفی توسعه مالی بر رشد اقتصادی بود. این اثر منفی را می‌توان به دلیل نحوه آزادسازی بازارهای مالی، ضعف نظام مالی و عدم شکل‌گیری بازار مالی منسجم و بهره‌مند از مقررات دانست که به کاهش سرمایه‌گذاری از طریق تخصیص غیربهبوده منابع منجر شده است.

1. Naceur & GHazouni

2. Havranek, Horvath & Zeynaliv

3. Caporale, Soliman & Howells

فطرس، نجارزاده و محمودی (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای با عنوان بررسی رابطه توسعه مالی و رشد اقتصادی در ایران با استفاده از روش تحلیل عاملی یک شاخص توسعه مالی را استخراج کردند و سپس این شاخص را در یک مدل رشد به کار بردند و رابطه علیت گرنجری را نیز آزمون کردند که نتایج تحقیق آنها مؤید رابطه مثبت بین متغیرهای رشد اقتصادی و توسعه مالی و همچنین برای علیت از سمت رشد اقتصادی به توسعه مالی بود.

سلیمی فر، رزمی و ابوترابی (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای با عنوان بررسی رابطه علی شاخص‌های توسعه مالی و رشد اقتصادی در ایران طی دوره ۱۳۸۴-۱۳۵۲ پرداختند. آنها در تحقیق خود برای اندازه‌گیری توسعه مالی در ایران از شاخص‌های ایزاری، عمق مالی، ساختاری، کارایی و بنیانی توسعه مالی بهره گرفتند. علاوه بر آن از روش تجزیه مؤلفه‌های اصلی در راستای استخراج یک شاخص کلی برای توسعه مالی به صورت ترکیبی از این پنج شاخص استفاده کردند. برای آزمون رابطه علت و معلولی میان توسعه مالی و رشد اقتصادی، آزمون علیت گرنجر بر اساس مدل خودرگرسیون برداری، آزمون دیکی - فولر^۱ و آزمون هم‌انباشتگی یوهانسن - یوسیلیوس^۲ استفاده شده و بر اساس یافته‌های این تحقیق در بلندمدت یک رابطه علی دوطرفه میان شاخص عمق مالی با رشد اقتصادی و رابطه علی یک طرفه از شاخص کارایی و نیز شاخص کلی توسعه مالی به سمت رشد اقتصادی برقرار بوده و در کوتاه‌مدت فقط وجود رابطه علی یک طرفه از تولید ناخالص داخلی به شاخص کارایی توسعه مالی تأیید شده و در بقیه موارد وجود رابطه علیت گرنجری تأیید نشده است.

سیفی پور (۱۳۸۹)، به بررسی تجربی تأثیر توسعه مالی بر رشد اقتصادی طی دوره ۲۰۰۸-۱۹۸۰ با استفاده از مدل تابلویی و روش اثرهای ثابت و داده‌های تابلویی برای ۸۵ کشور پرداخت و به این نتایج رسید که در کشورهایی با درآمد بالا و از نظر سطح مالی در بازار پول و سرمایه توسعه یافته‌تر، بهبود توسعه مالی به رشد اقتصادی منجر خواهد شد و در کشورهای با درآمد پایین و متوسط و با سطح توسعه مالی پایین در بازار پول و سرمایه، بهبود توسعه مالی در بازار پول بر رشد اقتصادی تأثیر منفی و بهبود در بازار سرمایه بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت داشته است.

سلمانی و امیری (۱۳۸۸)، در تحقیقی با عنوان «توسعه مالی و رشد اقتصادی: مورد مطالعه کشورهای در حال توسعه» به بررسی تأثیر توسعه مالی بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه طی سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۴ با استفاده از روش داده‌های تابلویی نامتوازن می‌پردازند. در این تحقیق از

1. Dicky-Fuller Test
2. Johansen-Juselius

سه معیار برای بررسی تأثیر توسعه مالی بر رشد اقتصادی استفاده شده است که عبارت‌اند از: نسبت اعتبارات داخلی اعطاشده به بخش خصوصی به GDP، نسبت بدهی‌های نقدی به GDP (M_3) و نسبت ارزش کل سهام مبادله‌شده به GDP. نتایج تحقیق نشان دادند که در دوره بررسی‌شده، توسعه مالی بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه تأثیر مثبت و معناداری داشته است.

عصاری، ناصری و آقایی خوندایی (۱۳۸۶)، در مقاله‌ای با عنوان توسعه مالی و رشد اقتصادی: مقایسه کشورهای نفتی عضو اوپک و کشورهای غیرنفتی در حال توسعه، به آثار توسعه مالی بر رشد اقتصادی با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته پرداختند. نتایج نشان دادند که توسعه مالی در کشورهای نفتی، عضو اوپک بر رشد اقتصادی اثر منفی دارد، در حالی که در کشورهای در حال توسعه غیرنفتی این تأثیر مثبت است. این نتیجه را می‌توان ناشی از کاهش کارایی سرمایه‌گذاری از طریق عدم تخصیص بهینه منابع در کشورهای عضو اوپک دانست.

کازرونی (۱۳۸۲)، در تحقیقی با استفاده از مدل جوهانسون به بررسی رابطه بین توسعه مالی و رشد اقتصادی در ایران می‌پردازد. وی در این تحقیق از شاخص‌هایی مانند سهم دارایی‌های غیر خارجی بانک‌ها از کل دارایی‌ها و سهم خدمات مؤسسه پولی و مالی از تولید ناخالص داخلی به‌عنوان شاخص توسعه مالی استفاده می‌کند. بر اساس یافته‌های این تحقیق، رابطه بلندمدت بین شاخص‌های توسعه مالی و رشد اقتصادی از نظر آماری معنادار نیست. بر اساس انجام آزمون علیت گرنجر، رابطه علیت بین توسعه مالی و رشد اقتصادی در ایران یک‌طرفه بوده و از توسعه مالی به رشد اقتصادی است.

شیوا (۱۳۸۰)، در تحقیقی به بررسی تأثیر نهادهای مالی در ایران بین سال‌های (۱۳۵۵ تا ۱۳۷۷) و آثاری که این نهادها از راه تأمین مالی بخش حقیقی اقتصاد بر رشد و توسعه اقتصادی داشته، پرداخته است. نتایج تحقیق وی نشان می‌دهند که میان بهبود بازارهای مالی و رشد اقتصادی رابطه‌ای یک طرفه وجود دارد و این رابطه از سمت رشد اقتصادی به سمت بهبود بازارها مالی است.

نظیفی (۱۳۸۳)، بررسی تأثیر توسعه مالی بر رشد اقتصادی را با استفاده از متغیر سهم اعتبارات اعطاشده توسط نظام بانکی به بخش خصوصی از GDP بررسی کرده است. نتایج تحقیق وی نشان دادند توسعه مالی بر رشد اقتصادی به دلیل نحوه آزادسازی بازارهای مالی و ضعف مدیریت نظام مالی منسجم و بهره‌مند از مقررات دارای اثر منفی است.

بر اساس بررسی‌های انجام‌شده، مشخص شد که تاکنون تحقیقی با عنوان فراتحلیل تأثیر توسعه مالی بر رشد اقتصادی در ایران انجام نشده است. بنابراین در این قسمت چندین مقاله که با اثر توسعه مالی بر رشد اقتصادی مرتبط هستند، آورده شده است. در ادامه نیز تحقیقاتی که در حوزه اقتصاد به روش متاآنالیز انجام شده‌اند، آورده شده است.

روش شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از نوع مرور سیستماتیک و متاآنالیز است که برای تجزیه و تحلیل تأثیر توسعه مالی بر رشد اقتصادی از روش متاآنالیز استفاده شده است. تفاوت تحقیقاتی از نوع متاآنالیز با سایر تحقیقات در این است که جامعه آماری در آنها، تحقیقات قبلی هستند و واحد تحقیق آن، هر یک از تحقیقات اولی و مستقل پیشین است. جامعه آماری در این تحقیق مقاله‌های چاپ شده در نشریه‌های نمایه شده در پایگاه‌های اطلاعات نشریه‌های علمی ایران، بدون محدودیت زمانی است.

گلاس و همکاران^۱ برای توصیف اصطلاح فراتحلیل به انواع تحلیل‌های اولیه^۲ و تحلیل‌های ثانویه^۳ اشاره داشته‌اند. در واقع بر اساس داده‌های گردآوری شده دو گونه تحلیل صورت می‌گیرد؛ نخست به وسیله محقق اصلی که بر اساس داده‌های گردآوری شده تحلیل خاص خود را ارائه می‌دهد و سپس به وسیله محقق دومی است که بر اساس داده‌های گردآوری شده توسط محقق اول، با استفاده از روش دیگری، دوباره به تحلیل همان داده‌ها می‌پردازد و به پرسش دیگری که با پرسش مطرح شده در تحقیق اصلی متفاوت است، پاسخ می‌دهد (زاهدی و محمدی، ۱۳۸۴).

فراتحلیل (متاآنالیز) معمولاً برای بررسی تحقیقات کمی استفاده می‌شود و یکی از انواع ارزشیابی‌های بسیار مهم است که در همه حوزه‌های علمی کاربرد دارد. فراتحلیل در واقع خود یک تحقیق محسوب می‌شود - تحقیقی که به ارزشیابی تحقیقات دیگر می‌پردازد - به همین علت برخی از اندیشمندان این نوع تحقیق را ارزشیابی تحقیقات یا ارزشیابی ارزشیابی‌ها نامیده‌اند. در این نوع تحقیقات، محقق به ارزشیابی آن دسته از تحقیقات گذشته می‌پردازد که پرسش تحقیقی مشترکی را بررسی کرده‌اند. مهم‌ترین مزیت تحقیقات فراتحلیل این است که با ادغام کردن نتایج تحقیقات مختلف، قدرت بررسی را در راستای یافتن نتایج معنادار افزایش می‌دهد (رضائیان، ۱۳۸۴). بررسی‌های مرور سیستماتیک و فراتحلیل در مقایسه با بررسی‌های مرور نقلی و سنتی، با توجه به پایایی بالا و تکرارپذیری، ارزش و اعتبار بالایی دارند (معمدیان، ۱۳۹۲).

انتخاب اولیه مقاله‌ها در قالب یک بررسی ساختاریافته اولیه

در تحقیقاتی از نوع متاآنالیز به منظور جلوگیری از سوگیری در انتشار، باید قراردادی (استراتژی) تنظیم شود که بر اساس آن ابتدا روش‌های جست‌وجوی متون مشخص شود. به این صورت که با توجه به

1. Glass

2. Primary Analyses

3. Secondary Analyses

حساسیت و اختصاصی بودن جست‌وجو، کلیدواژه‌های فارسی شامل «توسعه مالی»، «رشد اقتصادی» و «متاآنالیز» که اسناد مرور شده محدود به اینترنت و بدون محدودیت زمانی هستند، از پایگاه‌های اطلاعاتی Magiran Irandoc^۱، Noormags^۲، Civilica^۳، Sid^۴ و Google Scholar انتخاب می‌شوند. علاوه بر این، در این قرارداد مشخص شد که بعد از تعیین استراتژی‌های جست‌وجو، می‌بایست عنوان و چکیده تحقیقات بررسی شده و پس از کنار گذاشتن تحقیقات غیرمرتبط، تحقیقات اولیه بر اساس معیارهای ورود و خروج متاآنالیز وارد فهرست اولیه شوند. گفتنی است، معیارهای خروج شامل وجود نداشتن داده‌های کافی در تحقیقات، دسترسی نداشتن به متن کامل تحقیقات و کیفیت پایین تحقیقات بوده است.

مراحل انجام متاآنالیز

برای نگارش یک تحقیق متاآنالیز حداقل شش مرحله باید انجام گیرد: ۱. تعریف دقیق موضوع تحقیق و پرسش تحقیق؛ ۲. جست‌وجوی تحقیقات مرتبط با تحقیق؛ ۳. سنجش کیفیت تحقیقات؛ ۴. استخراج نتایج؛ ۵. آماده‌سازی اطلاعات برای متاآنالیز؛ ۶. تجزیه و تحلیل نتایج (حق دوست، ۲۰۱۱: ۹). در حال حاضر یکی از شاخص‌های مهم و پرکاربرد استفاده‌شده در متاآنالیز شدت اثر است. شدت اثر بیان‌کننده این مطلب است که میزان اختلاف یا ارتباط به چه میزان است. کوهن^۵ در کتاب خود بیان می‌کند که فرض صفر در واقع اندازه اثر برابر با صفر است و هرگاه فرض صفر رد شود، یعنی مقدار اندازه اثر در جامعه غیرصفر است، بنابراین اندازه اثر نشان‌دهنده میزان یا درجه حضور پدیده در جامعه است و هر چه اندازه اثر بزرگ‌تر باشد، درجه حضور پدیده هم بیشتر است (تامسون^۶، ۲۰۰۲). در این فراتحلیل تحقیقاتی که از لحاظ روش‌شناختی شرایط لازم را احراز کرده‌اند، به کار رفته است؛ یعنی از مقاله‌هایی که ملاک درون‌گنجی را داشته‌اند، استفاده شده است. معیارهای درون‌گنجی^۷ این تحقیق عبارت‌اند از: ۱. تحقیق در ایران انجام شده باشد، ۲. در تحقیق مربوطه، رشد اقتصادی به عنوان متغیر وابسته به کار رفته باشد و ۳. تحقیق باید اطلاعات لازم برای استخراج عملی اندازه اثر (قوت رابطه) را ارائه کرده باشد.

1. Magiran.com

2. Noormags.com

3. Civilica.ir

4. www.Sid.ir

5. Cohen

6. Thompson

7. Inclusive criteria

جدول ۱. مشخصات تحقیقات وارد شده در مرور سیستماتیک و متاآنالیز

نویسندگان	روش تخمین	نوع متغیر مستقل	نتیجه
سالاری و حسن زاده (۱۳۹۲)	ARDL	لگاریتم تولید ناخالص داخلی واقعی	توسعه مالی در کوتاه مدت و بلندمدت بر رشد تأثیر مثبت دارد.
رضایی (۱۳۹۵)	ARDL	لگاریتم تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت	توسعه مالی با رشد اقتصادی در کوتاه مدت رابطه‌ای مثبت دارد، در حالی که در بلندمدت با رشد اقتصادی دارای رابطه‌ای منفی و بی‌معنا است.
زارعی (۱۳۹۵)	ARDL	لگاریتم تولید ناخالص داخلی واقعی	توسعه مالی بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت دارد.
زارعی و همکاران (۱۳۹۲)	ARDL	لگاریتم تولید ناخالص داخلی	توسعه مالی در بلندمدت اثر مثبت دارد.
شهیدی و یآوری (۱۳۹۳)	GMM	لگاریتم تولید ناخالص داخلی واقعی	توسعه مالی بر رشد اقتصادی تأثیری ندارد.
مکیان و همکاران (۱۳۹۴)	FMOLS	لگاریتم تولید ناخالص داخلی	توسعه مالی بر رشد اقتصادی اثر مثبت دارد.
هوشمند و دانش نیا (۱۳۹۰)	ARDL	لگاریتم تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت	تأثیر مثبت و معنادار توسعه مالی بر رشد اقتصادی در کوتاه مدت و بلندمدت.
فلیحی و بخارایی (۱۳۹۵)	ARDL	لگاریتم تولید ناخالص داخلی	توسعه مالی بر رشد اقتصادی اثر مثبت دارد.
مؤتمنی و آریانی (۱۳۹۱)	GMM	لگاریتم تولید ناخالص داخلی	توسعه مالی بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت دارد.
ابوالحسنی، اثنی عشری، حاتمی، جهانگرد و اسدی (۱۳۹۳)	GMM	تولید ناخالص داخلی	توسعه مالی بر رشد اقتصادی تأثیر منفی دارد.
نظیفی (۱۳۸۳)	Ols	تولید ناخالص داخلی واقعی	توسعه مالی بر رشد تأثیر منفی دارد.
افشاری و همکاران (۱۳۸۸)	Ols	تولید ناخالص داخلی حقیقی به قیمت‌های ثابت	عمق مالی بر رشد اقتصادی اثر مثبت دارد.
زارعی و همکاران (۱۳۹۴)	Ols	تولید ناخالص داخلی	توسعه مالی بر رشد اقتصادی اثر کاهنده دارد.

همچنین به منظور استخراج داده‌ها چک لیستی طراحی شد که بر اساس آن می‌بایست اطلاعاتی شامل نام محقق، عنوان تحقیق، سال انجام تحقیق، شیوه تخمین، نوع داده‌ها، تعداد سال‌های مورد بررسی و متغیرهای توضیحی در نظر گرفته شده و وارد فهرست نهایی شوند و بعد از وارد کردن این اطلاعات به نرم‌افزار SPSS، تجزیه و تحلیل‌ها با نرم‌افزار stata و CAM2 صورت پذیرفت. در این مرحله با توجه به استراتژی جست‌وجوی تعیین‌شده در قرارداد تحقیق، ابتدا جست‌وجو با استفاده از کلیدواژه‌های فارسی و لاتین در منابع الکترونیکی فارسی انجام شد که حاصل آن تعداد ۹۸۷ تحقیق فارسی و تعداد سیزده تحقیق لاتین بوده است. در ادامه با جست‌وجوی کلیدواژه‌های لاتین در بانک‌های مهم اطلاعاتی لاتین، تعداد ۶۲ تحقیق لاتین مشخص شد. بنابراین در مجموع تعداد ۱۰۴۹ تحقیق فارسی و لاتین با جست‌وجوی کلیدواژه‌های فارسی و لاتین در منابع جست‌وجوی الکترونیکی مشخص شد.

تحلیل داده‌ها

در این قسمت نتایج مربوط به استفاده از روش متاآنالیز برای بررسی اثر توسعه مالی بر رشد اقتصادی با استفاده از روش متاآنالیز آورده شده است. برای انجام متاآنالیز باید دقت کرد که شاخص‌های محاسبه‌شده در تمام تحقیقات یکسان باشند. ترکیب کردن ضرایب در صورت متفاوت بودن شاخص‌های به‌کارگرفته‌شده در تحقیقات دارای ایراد است و نتایج متاآنالیز را با مشکل مواجه می‌کند. بنابراین برای انجام آنالیز خطی، باید ضرایب هم‌بستگی جزئی از آماره t و برآورد گزارش رگرسیون و درجه آزادی مشخص شود. در این تحقیق متغیر اصلی ما شاخص توسعه مالی است که در در نهایت تعداد سیزده تحقیق با ۳۴ مدل رگرسیونی برای انجام آنالیز خطی استفاده شده‌اند. ابتدا با استفاده از نرم‌افزار CMA به بررسی سوگیری در انتشار پرداخته شد و در ادامه با استفاده از داده‌ها و اطلاعاتی که از ۱۳ تحقیق به دست آمد که شامل مواردی چون ضریب هم‌بستگی، انحراف معیار، t استیودنت و ضرایب متغیر مستقل هستند، به نرم‌افزار استاتا وارد شده و با استفاده از دستورهای خاص متاآنالیز نتایج زیر به دست آمدند.

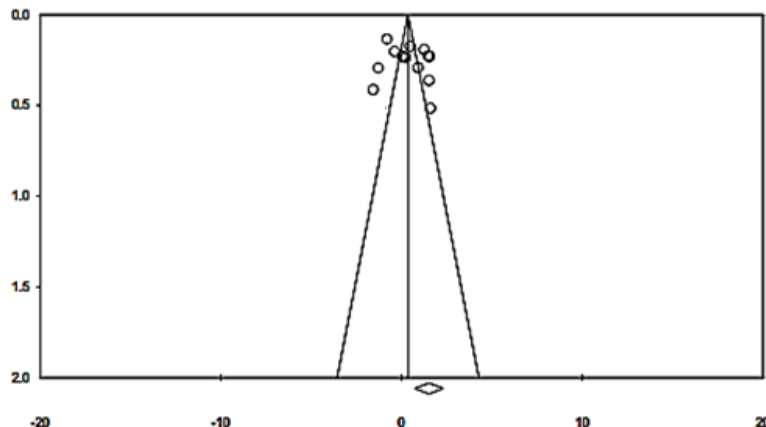
بررسی سوگیری انتشار

در این قسمت به بیان سوگیری انتشار و راه‌های نشان دادن سوگیری انتشار اشاره می‌شود. منظور از سوگیری انتشار این است که یک فراتحلیل کلیه بررسی‌های مربوط به تحقیق را شامل نمی‌شود و

بعضی از تحقیقات ممکن است به دلایل مختلفی چاپ نشده باشند. وقتی سوگیری انتشار وجود داشته باشد نتایج نهایی فراتحلیل تحت تأثیر قرار گرفته و برآوردهای نهایی حاصل از آن دارای تورش و خطا خواهند بود. بنابراین لازم است سوگیری انتشار در مراحل اولیه فراتحلیل شناسایی و تصحیح شوند تا نتایج تحقیقات معتبر ظاهر شوند (مک اسکیل و والتر، ۲۰۰۱)^۱. در ادامه این قسمت به بیان راه‌حل‌های شناسایی سوگیری انتشار اشاره می‌شود.

نمودار فائل (قیفی)

یکی از روش‌های ساده شناسایی سوگیری انتشار، استفاده از روش نموداری قیفی است که توسط پیلمر و لایت پایه‌گذاری شد. در نمودار فائل از حجم نمونه و اندازه اثر برای رسم آن استفاده می‌شود. بدین صورت که محور X بیانگر اندازه اثر و محور Y بیانگر حجم نمونه یا دقت کارآزمایی است که با $\frac{1}{S_e}$ نشان داده می‌شود. اگر تورش انتشار وجود نداشته باشد، انتظار داریم که نمودار متقارن بوده و مقدار پراکندگی حول اندازه اثر مداخله با افزایش اندازه نمونه کاهش یابد (لیتل، کورکوران و فیلی، ۲۰۰۸)^۲.



شکل ۱. نمودار فائل (قیفی)

1. Macaskill & Walter
2. Little, Corcoran & Pillai

از لحاظ تفسیری در نمودارهای فانل یا کیفی شکل، تحقیقاتی که خطای استاندارد پایین دارند و در بالای قیف جمع می‌شوند، دارای سوگیری انتشار نیستند. اما هرچه تحقیقات به سمت پایین قیف کشیده می‌شوند، خطای استاندارد آنها بالا می‌رود و سوگیری انتشار آنها افزایش می‌یابد. بنابراین با توجه به شکل ۱، پراکندگی نتایج تحقیقاتی در بالای نمودار جمع شده است که بر عدم وجود سوگیری انتشار دلالت دارد.

نتیجه روش چینش و تکمیل دووال و توئیدی

دووال و توئیدی برای ارزیابی و تعدیل تورش انتشار در نمونه‌های کوچک، از روش اصلاح و برازش که در آن مشاهده‌های نامنتطبق از نمودار کیفی حذف می‌شوند و سپس ارزش‌های اختصاص داده‌شده به تحقیقات مفقودشده اضافه می‌شوند، استفاده می‌کنند. پیدایش تحقیقات مفقودشده زیاد در یک سمت از خط میانگین اندازه اثر به تورش انتشار یا تورش نمونه کوچک معروف است (لیتل و همکاران، ۲۰۰۸). به بیان دیگر در نبود سوگیری انتشار، نمودار حول میانگین اندازه اثر حالت متقارن پیدا می‌کند. در حقیقت روش چینش و تکمیل تحقیقات گم‌شده را در نظر می‌گیرد و آنها را به تحلیل‌های خود وارد کند و سپس میانگین اندازه اثر را محاسبه می‌کند (قربانی زاده، ۱۳۹۲).

جدول ۲. روش چینش و تکمیل دووال و توئیدی

ارزش	اثر ثابت			اثر تصادفی			تعداد تحقیقات مورد نیاز
	تخمین نقطه‌ای	حد پایین	حد بالا	تخمین نقطه‌ای	حد پایین	حد بالا	
مشاهده‌ها	-۰/۳۱	-۰/۱۴	-۰/۲۵	-۰/۱۴	-۰/۱۳	-۰/۱۲	۱۷/۴۷
تعدیل‌شده	۰/۳۱	۰/۱۴	۰/۲۵	۰/۱۴	۰/۱۳	۰/۱۲	۱۷/۴۷

بر اساس جدول ۲ که برگرفته از خروجی برنامه CMA است، ارزش مشاهده‌شده در حالت اثرهای ثابت برابر با -۰/۳۱۴۵۲۳ است که با ارزش تعدیل یا اصلاح‌شده در حالت اثرهای ثابت برابر است. همچنین ارزش مشاهده‌ها در حالت اثرهای تصادفی برابر با -۰/۱۴۱۸۲۵ است که با ارزش تعدیل یا اصلاح‌شده در حالت اثرهای تصادفی برابر است و نشان می‌دهد که تحقیق حاضر به‌منظور کامل شدن به تحقیق دیگری نیاز ندارد. نتیجه این جدول آن است که مدل حاضر با سوگیری انتشار مواجه

نیست و برای برطرف شدن سوگیری و ایجاد تقارن در دو طرف خط میانگین اندازه اثر در نمودار فانیل، به تحقیقات دیگری نیاز ندارد.

نتایج تخمین

در سیزده تحقیق وارد شده به نرم افزار استاتا، بر اساس نتایج حاصل از خروجی نرم افزار، در قالب جدول ها و نمودارها که در پیوست آمده اند، می توان جواب پرسش ها را به این صورت به دست آورد که آیا توسعه مالی بر رشد اقتصادی تأثیرگذار است؟

جدول ۳. نتایج تخمین مدل

متغیر	شدت اثر	I-squared	p-value	فاصله اطمینان ۹۵ درصد
توسعه مالی	۰/۳۰	۸۲/۳	۰/۰۱	۰/۵۶ - ۰/۰۶

همان طور که در جدول ۳ مشاهده می شود، بر اساس نتایج با توجه به انتخاب متغیرهای مبتنی بر پشتوانه نظری در ادبیات توسعه مالی و رشد اقتصادی و مراحل متاآنالیز میانگین اندازه اثر توسعه مالی بر رشد اقتصادی معادل (۰/۳۰) است که با توجه به تفسیر ارائه شده کوهن (۱۹۹۸)، بیانگر اندازه اثر در سطح متوسط است. همچنین مشاهده می شود که تأثیر توسعه مالی بر رشد اقتصادی مثبت است. آیا در کنار توسعه مالی متغیرهای دیگری بر رشد اقتصادی تأثیر گذارند؟

به طور کلی ۳۹ متغیر در این تحقیق شناسایی شده اند که با توجه به تکراری بودن این متغیرها در بعضی از تحقیقات، می توان در مجموع آنها را در نوزده متغیر خلاصه کرد. بنابراین متغیرهای تأثیرگذار با توجه اندازه اثر آنها و درصد فراوانی عبارت اند از: باز بودن تجارت (۱۵/۳۸ درصد)، مخارج دولت و سرمایه گذاری هر یک (۱۰/۲۵ درصد)، موجودی سرمایه داخلی (۷/۶۹ درصد)، تورم، درآمدهای نفتی، سرمایه انسانی، سرمایه فیزیکی، موجودی سرمایه خارجی، اندازه دولت و نرخ بهره هر یک (۵/۱۲ درصد)، متغیر روند، بی ثباتی GDP، تکانه های نفتی، جنگ، فقر، پس انداز و نرخ ارز هر یک (۲/۵۶ درصد) که در مراتب بعدی قرار می گیرند، در نتیجه متغیر باز بودن تجارت بعد از متغیر اصلی یعنی توسعه مالی در میان متغیرهای تأثیرگذار بر رشد اقتصادی بالاترین اندازه اثر را داشته است. بنابراین از جمله متغیرهای مهمی که می تواند رشد اقتصادی را

تحت تأثیر قرار دهد، فضای باز تجاری است. آیا متغیرهای کمکی دیگری بر رشد اقتصادی مؤثر هستند؟

در تحقیقات مربوط به تأثیر توسعه مالی بر رشد اقتصادی که شامل سیزده مقاله مرتبط با موضوع تحقیق بوده و به عنوان داده‌های تحقیق از آنها استفاده شده، علاوه بر متغیر مستقل توسعه مالی از سایر متغیرهای کمکی نیز استفاده شده است که در میان آنها باز بودن تجارت، مخارج دولت و سرمایه‌گذاری دارای بیشترین فراوانی هستند و در این قسمت به بیان تأثیر این متغیرها بر رشد پرداخته شده است (جدول ۴). نتایج نشان می‌دهند که متغیر باز بودن تجاری، با توجه به نظریه ارائه شده از سوی کوهن، بیانگر اندازه اثر در سطح بالایی است، اما سرمایه‌گذاری و مخارج دولت دارای اندازه اثر کمتر از ۰/۳۰ است که اندازه اثر در سطح پایین را نشان می‌دهد.

جدول ۴. نتایج تخمین مدل

متغیر	شدت اثر	I-squared	p-value	فاصله اطمینان ۹۵ درصد
باز بودن تجارت	۰/۶۲	۹۵/۱	۰/۰۵	(-۰/۰۰۳) - (۱/۵۰)
سرمایه‌گذاری	۰/۲۳	۶۲/۳	۰/۰۸	(-۰/۰۳) - (۰/۵۳)
مخارج دولت	۰/۱۶	۶۸/۲	۰/۳۸	(-۰/۲۲) - (۰/۵۸)

این بررسی در خصوص پرسش «آیا تفاوت در مدل باعث تفاوت در اندازه اثر است» نشان داد که همه بررسی‌ها در این تحقیق خطی هستند که به مدل‌های خطی لگاریتمی و خطی غیرلگاریتمی تقسیم می‌شوند. با توجه به اینکه تحقیقات خطی لگاریتمی که با روش ols محاسبه شده‌اند، دارای شدت اثر بزرگ‌تری از سایر تحقیقات هستند و پس از آن به ترتیب تحقیقات خطی غیرلگاریتمی با روش gmm، تحقیقات خطی لگاریتمی با روش ardl، تحقیقات لگاریتمی با روش تخمین gmm، تحقیقات غیرلگاریتمی با روش تخمین ardl و سپس تحقیقات غیرلگاریتمی با روش تخمین ols هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

در تحقیق حاضر تلاش شد تا اثر توسعه مالی بر رشد اقتصادی بررسی شود. برای بررسی تأثیرهای توسعه مالی بر رشد اقتصادی متغیر عمق مالی به عنوان شاخص نشان‌دهنده توسعه مالی انتخاب شد. با توجه به یافته‌های تحقیق، در مجموع مدل تأثیر توسعه مالی بر رشد اقتصادی بدون تورش انتشار،

مثبت و معنادار است. همچنین در این تحقیق ۳۹ متغیر در ذیل توسعه مالی بر رشد اقتصادی شناسایی و بررسی شدند، اما متغیرهای باز بودن تجارت، مخارج دولت و سرمایه‌گذاری در مقایسه با سایر متغیرها بر رشد اقتصادی تأثیر بیشتری داشتند که گام مهم و بااهمیتی در قلمرو این تحقیق است و به‌گونه‌ای مسیر تحقیقات آتی را روشن می‌کند. از آنجا که این تحقیق برای کشورهای در حال توسعه صورت گرفته است، می‌توان با انجام این موضوع برای کشورهای توسعه‌یافته و مقایسه آن با نتایج این تحقیق به معیار مناسب‌تری برای اتخاذ سیاست‌های کلی رسید.

منابع و مأخذ

الف. فارسی

ابوالحسنی هستیانی، اصغر؛ اثنی عشری، ابوالقاسم؛ حاتمی، امین؛ جهانگرد، فاطمه؛ اسدی، نرجس (۱۳۹۳). بررسی رابطه توسعه مالی و رشد اقتصادی در ایران. *کنفرانس بین‌المللی حسابداری، اقتصاد و مدیریت مالی*.

افشاری، زهرا و هدی جعفری (۱۳۸۸). رابطه بین تعمیق مالی و رشد اقتصادی در کشورهای منطقه جنوب غرب آسیا، *مجله مطالعات مالی*، (۴)، ۶۳-۸۸.

تقوی، مهدی؛ امیری، حسین (۱۳۹۰). توسعه مالی و رشد اقتصادی در کشورهای منا با استفاده از روش پانل پویا GMM. *مجله دانش مالی تحلیل اوراق بهادار*، ۴(۱۰)، ۶۳-۸۲.

حق‌دوست، علی اکبر (۲۰۱۱). *مرور ساختار یافته و متاآنالیز، مفاهیم، کاربردها و محاسبات*، کرمان، مؤسسه پژوهشگر بدون مرز.

رضایی، مهدی (۱۳۹۵). *تأثیر توسعه مالی بر رشد اقتصادی در ایران*. انتشارات ترمه.

رضائیان، محسن (۱۳۸۴). واژه‌نامه توصیفی فراتحلیل‌ها. *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*، ۵(۲)، ۱۴۳-۱۴۵.

زاهدی، شمس‌السادات؛ محمدی، ا. (۱۳۸۴). فراتحلیل راهی به‌سوی شناسایی ارزشیابی ترکیب و تلخیص پژوهش‌های گذشته. *فصلنامه مطالعات مدیریت*، ۱۲(۴۷)، ۵۱-۷۹.

زارعی، بتول؛ لاجوردی، حسن (۱۳۹۵). بررسی رابطه توسعه مالی و تکانه‌های نفتی بر بی‌ثباتی رشد اقتصادی، *مطالعات اقتصاد، مدیریت مالی و حسابداری*، ۲(۱)، ۳۱-۵۱.

زارعی، محمد؛ مهرآرا، محسن (۱۳۹۲). تأثیر پدیده نفرین منابع بر توسعه مالی و رشد اقتصادی در قالب الگوی پانل پویا. *فصل‌نامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، ۳(۱۰)، ۱۱-۲۸.

زارعی، ایلا؛ حقیقت، علی؛ زارع، هاشم (۱۳۹۴). رابطه توسعه مالی و رشد اقتصادی در ایران. *کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و حسابداری، مجموعه مقالات کنفرانس*، ۸۱-۱۲۰.

سالاری، ناهید؛ حسن زاده، محمد (۱۳۹۲). بررسی رابطه کوتاه‌مدت و بلندمدت بین توسعه مالی و رشد اقتصادی در ایران (آزمون هم‌انباشتگی ardl). *دومین همایش ملی بررسی راهکارهای ارتقای مباحث مدیریت حسابداری، مهندسی صنایع*.

سلمانی، بهزاد؛ امیری، بهزاد (۱۳۸۸). توسعه مالی و رشد اقتصادی: مورد کشورهای در حال توسعه. *فصل‌نامه اقتصاد مقداری*، ۶(۴)، ۱۲۵-۱۴۵.

سلیمی‌فر، مصطفی؛ رزمی، محمد جواد؛ ابوترابی، محمدعلی (۱۳۸۹). بررسی رابطه علی شاخص‌های توسعه مالی و رشد اقتصادی در ایران. *فصل‌نامه اقتصاد مقداری*، ۷(۱)، ۷۵-۱۰۳.

سیفی‌پور، رویا (۱۳۸۹). بررسی تجربی تأثیر سطح توسعه مالی بر رشد اقتصادی. *مجله مطالعات مالی*، ۵(۵)، ۳۳-۵۲.

شهیدی، آمنه؛ یآوری، کاظم (۱۳۹۳). توسعه مالی، موجودی سرمایه، سرمایه‌گذاری خارجی، رشد اقتصادی در ایران، *فصل‌نامه سیاست‌گذاری پیشرفت اقتصادی*، ۲(۲)، ۴۱-۶۸.

شیوا، رضا (۱۳۸۰). اثر تأمین مالی در درازمدت بر رشد و توسعه اقتصادی در ایران. *مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ۳۳(۳۴)، ۳۳-۶۵.

عصاری، عباس؛ ناصری، علیرضا؛ آقایی خوندایی، مجید (۱۳۸۷). توسعه مالی و رشد اقتصادی: مقایسه کشورهای نفتی عضو اوپک و غیرنفتی در حال توسعه، با استفاده از روش گشتاورهای (GMM) تعمیم‌یافته. *مجله تحقیقات اقتصادی*، ۴۳(۸۲)، ۱۴۱-۱۶۲.

فطرس، محمدحسن؛ نجارزاده، ابوالفضل؛ محمودی، حسین (۱۳۸۹). بررسی رابطه توسعه مالی و رشد اقتصادی در ایران: با استفاده از روش تحلیل عاملی. *فصل‌نامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، ۱۸ (۵۶)، ۷۳-۹۴.

فلیحی، نعمت؛ بخارایی، ریحانه (۱۳۹۵). بررسی اثر عمق مالی بر رشد اقتصادی در ایران. *فصل‌نامه اقتصاد مالی*، ۱۱ (۳۸)، ۶۳-۸۰.

قربانی زاده، وجه الله (۱۳۹۲). *راهنمای کاربردی فراتحلیل با نرم‌افزار CMA2*. تهران: جامعه‌شناسان.

کازرونی، علیرضا (۱۳۸۲). رابطه بین توسعه مالی و رشد اقتصادی - تجربیات ایران. *مجموعه مقالات سیزدهمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی*، پژوهشکده پولی و بانکی، تهران.

معمدیان، سیدرضا (۱۳۹۲). نگارش مقالات مروری. *مجله دانشکده دندان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی*، ۲ (۱)، ۱-۸.

مومنی، مانی؛ آریانی، فائزه (۱۳۹۱). تأثیر توسعه مالی در اثرگذاری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا. *فصل‌نامه علمی پژوهشی دانش مالی تحلیل اوراق بهادار*، ۶ (۱۸)، ۱-۱۶.

مکیان، سیدنظام‌الدین؛ ایزدی، محمدرضا (۱۳۹۴). بررسی رابطه توسعه نظام مالی با رشد اقتصادی. *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ۲۰ (۶۲)، ۱۳۹-۱۶۲.

نصرالهی، س.ن؛ مختاری، ح.؛ سیدین، م. (۱۳۹۲). فراتحلیل: رویکردی به تلفیق و ارزشیابی پژوهش‌های علم اطلاعات و دانش‌شناسی. *فصل‌نامه علمی پژوهشی*، ۲۹ (۲)، ۳۱۶-۳۹۳.

نظیفی، فاطمه (۱۳۸۳). توسعه مالی و رشد اقتصادی در ایران. *پژوهش‌نامه اقتصادی*، ۴ (۳)، ۹۷-۱۳۰.

هوشمند، محمد؛ دانش‌نیا، محمد (۱۳۹۰). تأثیر توسعه مالی بر رشد اقتصادی در ایران. *دوفصل‌نامه پولی مالی (دانش و توسعه سابق)*، ۱۸ (۲)، ۴۵-۶۱.

ب. انگلیسی

Ang, James B. (2008). What are the mechanisms linking financial development and economic growth in Malaysia? *Economic Modelling*, (25), 38-53.

Ben Naceur, S., & Ghazouani, S. (2007). Stock markets banks, and economic growth: Empirical evidence from the MENA region. *Research in International Business and Finance*, 21(2), 297- 315.

Bittencourt, M. (2012). Financial Development and Economic Growth in Latin America: Is Schumpeter Right? *Journal of Policy Modeling*, 34(3), 341-355.

Caporale, G. M., Howells, P. G., & Soliman, A. M. (2008). Stock Market Development and Economic Growth: The Causal Linkage. *Journal of Economic Development*, 29(1), 33-50.

Goldsmith, R. W. (1969). *Financial structure and development*. New Haven, CT7 Yale Univ. Press.

Havranek, T., Horvath, R., Zeynaliv, A. (2016). Natural Resources and Economic Growth: A Meta-Analysis. *World development*, 88(C) 134-151.

Kar, M., Nazlıoğlu, Ş., & Ağır, H. (2011). Financial Development and Economic Growth Nexus in the MENA Countries: Bootstrap Panel Granger Causality Analysis. *Economic Modelling*, 28(1), 685-693.

Little, J.H. Corcoran, J. & Pillai, V. (2008). *Systematic Reviews and MetaAnalysis*. Published by Oxford University Press.

Lucas, R.E. JR. (1988). On the Mechanics of Economic Development. *Journal of Monetary Economic*, 22(1), 3-42.

Macaskill, P., Walter, S. D., & Irwig, L. (2001). A comparison of methods to detect publication bias in meta-analysis. *Statistics in medicine*, 20(4), 641-654.

Mckinnon, R. (1973). *Money and Capital in Economic Development*. Washington.D.C.: Brookings Institution.

Petticrew, T.H., Morrison, M. D. (2002). *Housing Improvement and Health Gain: A summary and systematic review*. MRC Social & Public Health Sciences Unit Occasional Paper.

Ritab S. (2011). Financial Sector Development and Sustainable Economic Growth in Regionally Co-Integrated Emerging Markets. *Advances in Financial Economics*, 12, 345-360.

Robinson, J. (1952). *The generalization of the general theory: The rate of interest and Other Essays*. London: MacMillan.

Romer, P.M. (1986). Endogenous Technological Change. *The Journal of Political Economy*, 98(5), 71-102.

Shaw, E. (1973). *Financial Deepening in Economic Development*. New York: Oxford University Press.

Uddin, G. S., Sjö, B., & Shahbaz, M. (2013). The Causal Nexus Between Financial Development And. *Economic Modelling*, 35, 701- 707.